

لئو اشتراوس
گفتار سقراطی کسنوفون

ترجمہ
یاشار جیرانی



فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۵	پیش‌گفتار / آلن بلوم
۱۷	پیش‌گفتار / کریستوفر بروئل
۲۷	در باب تدبیر منزل / کسنوفون
۱۰۹	گفتار سقراطی کسنوفون / لئو اشتراوس
۱۰۹	مقدمه
۱۱۳	عنوان و آغاز
۱۱۶	یک تعریف از تدبیر منزل (فصل ۱)
۱۲۳	چرخش به سمت بررسی سقراط و کریتوبولوس (فصل ۲)
۱۳۰	وعده‌های سقراط (فصل ۳)
۱۳۵	دفاع از کشاورزی ۱ (فصل ۴)
۱۴۱	دفاع از کشاورزی ۲ (فصل ۵)
۱۴۶	یک گذشته‌نگری ساده و یک دورنمای پیچیده (فصل ۶)
۱۵۱	گونکولوگیا ۱: ازدواج مطابق فرامین خدایان و قانون (فصل ۷)
۱۵۹	گونکولوگیا ۲: نظم ۱ (فصل ۸)
۱۶۴	گونکولوگیا ۳: نظم ۲ (فصل ۹)
۱۷۱	گونکولوگیا ۴: آرایش (فصل ۱۰)
۱۷۶	آندروولوگیا (فصل ۱۱)
۱۸۴	چگونگی تربیت مباشرها در حسن‌نیت و جدیت (فصل ۱۲)
۱۸۷	چگونگی تربیت مباشر در حکم‌رانی (فصل ۱۳)

۱۸۹	پجگونگی تربیت مباشرها در عدالت (فصل ۱۴)
۱۹۳	گذار به صنعت کشاورزی (فصل ۱۵)
۱۹۶	طبیعت زمین و شروع مناسب روایت در باب کشاورزی (فصل ۱۶)
۲۰۰	بذرپاشی و هم‌چنین دروکردن، خرمن‌کوبی، و غربال‌کردن (فصول ۱۷-۱۸)
۲۰۵	کاشتن (فصل ۱۹)
۲۰۹	صنعت کشاورزی و عشق به کشاورزی (فصل ۲۰)
۲۱۶	صنعت کشاورزی و انسان شاهانه (فصل ۲۱)
۲۲۱	نمایه

یادداشت مترجم

«من متخصص نیستم، اما می‌دانم که بهترین چیز این است که فرد آن‌چه خوب است را به واسطه‌ی طبیعت خودش بیاموزد. بعد از این بهترین چیز این است که آن را از کسی دریافت کند که واقعاً چیز خوبی را می‌داند، نه این‌که آن را از استادان صنعت فریب بیاموزد.»

کسنوفون، در باب شکار^۱

«کسنوفون محبوب ویژه‌ی من است، زیرا این شجاعت را داشت که جامه‌ی یک ابله را بر تن کند و هزاران سال را به همین شیوه سپری کند. او بزرگ‌ترین شیادی است که می‌شناسم.»

لئو اشتراوس، نامه به یاکوب کلاین^۲، ۱۶ فوریه‌ی ۱۹۳۹

گفتار سقراطی کسنوفون دومین اثر از سه‌گانه کسنوفونی اشتراوس است. اثر اول این سه‌گانه یعنی در باب جباریت نخستین کتابی است که تصویری کامل از اشتراوس میانسال را به خواننده نمایش می‌دهد. مهم‌ترین خصایص اشتراوس میانسال یا «جذاب» در این اثر دیده می‌شود: تمایل به سخن‌گفتن در باب موضوعات سیاسی، لحظات غافل‌گیرکننده و درخشانی که قالب و روح محتاط اثر را نقض می‌کنند، و تمایل به نظریه‌پردازی در باب تاریخ فلسفه‌ی سیاسی. اما

1. Xenophon, *Scripta Minora*, Translated by E. C. Merchant, (Harvard University Press, 1946), 13.1.4.
2. Laurence Lampert, *The Enduring Importance of Leo Strauss*, (University of Chicago Press, 2013), p. 16.

از طرف دیگر، گفتار سقراطی کسنوفون و سقراط کسنوفون کامل ترین تصویر ممکن از اشتراوس پیر یا «غیرجذاب» را نمایش می دهند: یعنی اشتراوسی که کم تر در باب موضوعات سیاسی سخن می گوید، دیگر اهل غافل گیر کردن خواننده نیست، و تمایل اش به نظریه پردازی در باب تاریخ فلسفه ی سیاسی را تا حد زیادی از دست داده است. از همین اشارات می توان فهمید تفاوت اصلی میان این دو اشتراوس تفاوتی در نحوه ی سخن گفتن و شیوه ی ارائه است. تفاوتی که با تفاوت بین سقراط میانسال جمهوری و غریبه ی آتنی پیر قوانین هم خوانی دارد.^۱ جسارت بیش تر و عمق کم تر مکتوبات دوران میانسالی جای خودشان را به جسارت کم تر و عمق بیش تر مکتوبات دوران پیری می دهند. در این معنا، سه گانه کسنوفونی اشتراوس به تنهایی تصویری کامل از حیات فکری او را نمایش می دهند. گفتار سقراطی کسنوفون و سقراط کسنوفون تصویر متفکر در دوران پیری اش هستند؛ و با توجه به این که حیات نظری برخلاف حیات عملی نزدیکی بیش تری با دوران پیری دارد^۲، می توان گفت که نادیده انگاری این دو اثر نه تنها به شناختی ناقص از اندیشه ی اشتراوس منجر می شود بلکه هم چنین مخاطب را از عمیق ترین تفکرات متفکری عمیق محروم می کند. علاوه بر این، به نظرم این دو اثر از سه جهت برای خواننده اهمیت دارند.

نخست، گفتار سقراطی کسنوفون و سقراط کسنوفون بهتر از بقیه ی آثار اشتراوس به روش هنر نوشتار او وضوح می بخشند. لئو اشتراوس بیش تر از همه به خاطر نظریه ی مشهور و نسبتاً جنجالی اش در باب هنر یا فن نوشتار فلاسفه شهرت دارد. براساس این نظریه متون فلاسفه و خصوصاً فلاسفه ی قدمایی از دو لایه ی ظاهری^۳ و باطنی^۴ تشکیل شده است. در این نگاه لایه ی ظاهری اثر با مخاطب غیرفلسفی و لایه ی باطنی با مخاطب فلسفی ارتباط برقرار می کنند. فیلسوف برای دست یابی به چنین هدفی از ابزارهای ادبی و

۱. حتا با میزانی مبالغه می توان گفت که تمایل اشتراوس میانسال به غافل گیر کردن مخاطب ما را به یاد ماکیاولی می اندازد. اگر بپذیریم که ماکیاولی چیزهایی را از مسیح به ارث برد، آن وقت خیلی هم عجیب نیست که اشتراوس نیز چیزهایی را از هیولای مورد علاقه اش به ارث برده باشد.

2. Cicero *On the Laws* 1.11. 3. exoteric 4. esoteric

نوشتاری متعددی استفاده می کند؛ ابزارهایی که خواننده ی فلسفی آن ها را درخواهد یافت و از رهگذر آن ها لایه ی باطنی اثر را کشف خواهد کرد. تقریباً تمام آثار اشتراوس به دنبال یافتن این ابزارها و کشف لایه ی باطنی آثار فلسفی هستند. اما هیچ کدام از آثار او به اندازه ی این دو کتاب نحوه ی دست یابی به لایه ی باطنی اثر را در حد کمال نمایش نمی دهند. چراکه اشتراوس در این دو اثر بیش از آن که یک نویسنده باشد یک خواننده است. او عملاً و صرفاً آنچه را که می خواند می نویسد؛ یا به عبارت بهتر، او با صدای بلند می خواند.^۱ از همین رو این دو اثر در نگاه اول نوعی بازگویی خطبه خط دیالوگ های کسنوفون به نظر می رسند. اما با توجه به آنچه که گفته شد، این نه یک بازگویی، بلکه مرحله ی آغازین خواندن یک اثر فلسفی است. مرحله ای که برخلاف ظاهر ساده و ملال آورش بسیار مهم است. اغلب اوقات تفاوت یک خواننده ی خوب با یک خواننده ی بد در همین مرحله روشن می شود. اشتراوس این مرحله را با دقتی «انسان دوستانه» در این دو کتاب به یادگار می گذارد. در هیچ کدام از آثار دوران میانسالی اشتراوس این مرحله به این دقت و کمال ارائه نمی شود. همین خصیصه نه تنها امکان نمایش کامل روش بین خطوط خوانی را در یک اثر نوشتاری فراهم می کند، بلکه پاسخ درخوری را نیز برای منتقدان این روش خوانش تدارک می بینند. خواننده می بیند که روش بین خطوط خوانی روشی ذهنی، تخیلی، و خودسرانه نیست، بلکه مبتنی بر توجه دقیق و ظاهراً ملال آور به جزئیات آشکار متن است. به عبارت دقیق تر کاربست روش بین خطوط خوانی در این آثار به وضوح نشان می دهد که حرکت به سمت لایه ی پنهانی اثر فقط و فقط با توجه دقیق به سطح اثر امکان پذیر است. یعنی روشی که قرار است آنچه نوشته نشده است را بیابد این کار را صرفاً با جدی گرفتن و دقیق خواندن آنچه نوشته شده است انجام می دهد. ندیدن دقیق خطوط باعث می شود که بین خطوطی نیز وجود نداشته باشد. خواننده با خواندن دقیق این دو اثر

۱. به عبارت بهتر، اشتراوس فعالیت مورد علاقه ی سقراط کسنوفونی را می نویسد. سقراط کسنوفون این فعالیت را این گونه توصیف می کند: «و وقتی با دوستان ام به طور جمعی می خوانیم، من گنجینه هایی که مردان حکیم گذشته نوشته اند و در کتب شان به یادگار گذاشته اند را بررسی می کنم؛ و اگر چیز خوبی ببینم، آن را جدا می کنیم؛ و معتقدیم اگر با یکدیگر دوست شویم این یک نفع بزرگ است.» (Xenophon, *Memorabilia*, I:6.14).